

# سفر روح

مایکل نیوتن

محمود دانایی

Newton, Michael

نیوتن، مایکل، ۱۹۳۱ -

سفر روح / مایکل نیوتن؛ مترجم محمود دانایی. - تهران: جیحون، ۱۳۸۱.

ISBN: 964-6534-52-X

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. مرگ. ۲. روح‌گرایی. ۳. تناسخ - - نمونه‌پژوهی. الف. دانایی، محمود، ۱۳۴۲ -

ب. عنوان. ج. عنوان: مطالعه زندگی‌های گذشته.

۱۳۳/۹۰۱۳

BF۱۲۷۵/م۴ن۹

۱۳۸۱

م۸۱-۱۹۰۵۶

کتابخانه ملی ایران



**انتشارات جیحون**

تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پلاک ۱۴۲۴

تلفن: ۶۶۴۰۴۵۳۲ فکس: ۶۶۴۸۰۸۷۰

Email: [Info@jeihoon.com](mailto:Info@jeihoon.com)

Website: [www.jeihoon.com](http://www.jeihoon.com)

## سفر روح

مایکل نیوتن

محمود دانایی

تاریخ چاپ: ۱۳۸۴

نوبت چاپ: ششم، تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۶۴-۶۵۳۴-۵۲۰-X

کلیه حقوق محفوظ است.

## فهرست

۹	پیشگفتار ناشر
۱۳	مقدمه مترجم
۱۷	مقدمه
۲۷	مرگ و عزیمت
۳۹	دروازه برزخ
۵۱	بازگشت به موطن اصلی
۷۳	روح‌های خطاکار (منزوی)
۸۵	آشنایی با برزخ
۱۰۵	تغییر و تحویل و جایگزینی در برزخ
۱۲۳	جایگزینی
۱۴۵	راهنمایان ما
۱۶۷	روح‌های مبتدی
۱۹۵	روح‌های متوسط
۲۲۵	روح‌های پیشرفته
۲۶۳	نحوه انتخاب زندگی بعدی
۲۸۷	انتخاب جسم جدید
۳۲۱	رخت سفر بستن
۳۳۷	تولد دیگر
۳۴۹	نتیجه



روزها فکر من این است و همه شب سخنم  
که چرا غافل از احوال دل خویشم

از کجا آمده‌ام؟ آمدنم به چه بود  
به کجا می‌روم؟ آخر نمانم و وطنم

مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا  
یا چه بوده است مراد وی ازین ساختنم

مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک  
دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست  
به هوای سر کویش پر و بالی بزینم



## پیشگفتار ناشر

مطالب کتاب حاضر، حاصل تحقیقات دکتر مایکل نیوتن (روانشناس) است، که طی چهل سال درمان و بررسی صدها مورد خاص<sup>۱</sup> به دست آمده است. در این میان، او که اهم توجه خود را به حالات گوناگون روان و روح معطوف کرده، به مواردی از حالات روح و عالم برزخ و کیفیات گوناگون آن دست یافته است، که جای تعمق دارد.

وی نتایج تحقیقات خود را در این سال‌ها، از طریق تدریس در دانشگاه‌های امریکا و شرکت در سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و کنفرانس‌های متعدد، در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است. دکتر نیوتن، در دو کتاب خود، کتاب حاضر و کتاب سرنوشت ارواح (Destiny of Souls)، حالات و تجربیات گوناگون بیماران خود را دسته‌بندی کرده و با بیانی شیوا یافته‌های آنان را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.

تحقیقات دکتر نیوتن و دیگر دانشمندانی که در این زمینه تحقیقات علمی وسیع انجام داده‌اند، دال بر تحکیم اصول ادیان است. از جمله این که: خداوندی قادر، متعال، یکتا، مهربان و حاکم بر کائنات وجود دارد. دنیایی به غیر از دنیای مادی، اما لطیف‌تر و نورانی‌تر وجود دارد که جایگاه ابدی روح است. انسان تنها دارای یک قالب عنصری، شامل اعضا و جوارح نیست، بلکه ورای این بُعد جسمانی و مادی، بُعدی روحی قرار دارد که منشأ ملکوتی دارد و حامل دم پروردگاری است و این بُعد روحی است که انسان را از حیوان متمایز می‌کند و موجب بُعد اخلاقی در اوست. بُعد اخلاقی است که به انسان امکان می‌دهد نوع دوست شود، با هموعان خود همدردی کند، از شادی آنان شاد شود، وظیفه‌شناس شود، قدرشناس شود، نسبت به هموع خود مهربان و مشفق باشد، در جهت خدمت به هموع خود کوشا باشد و...

این تحقیقات، هم‌چنین مؤید این نکته است که حساب و کتابی واقعی وجود دارد و کسی را از آن گریز نیست و حق هیچ کس ضایع نمی‌شود. نیت و اعمال‌اند که برتری افراد را نسبت به یکدیگر و قرب و بعد آنان را نسبت به مبدأ الهی ایجاد می‌کنند. دکتر نیوتن با بررسی و بیان این مطالب، توجه خوانندگان را به این نکته جلب می‌کند که دنیایی دیگر با معیارهایی مشخص وجود دارد، که جایگاه ابدی روح است و هر کس حاصل نیت و اعمال خود را در آن می‌درد.

لازم به ذکر است که بنا بر ضرورت دین اسلام و نظر علمای اعلام، اجماع اهل ملل و عقیده سایر ادیان اهل کتاب معتقد به معاد، تناسخ و کلیه شقوق آن، از وجوه سنتی تا بیانات اخیر و تغییر شکل یافته آن، از هر نظر و با هر استدلال، بالکل باطل و مردود است و بازگشت به آخرت تنها از طریق معاد صحیح است.

ملاصدرا (صدرالمتألهین)<sup>۲</sup> در کتاب اسفار، حاج ملاهادی سبزواری<sup>۳</sup> در شرح منظومه و صاحب کفایت‌الموحدین<sup>۴</sup> هر یک در کتاب خود، با ادله مستدل رای بر بطلان تناسخ داده‌اند. اهم این دلایل به شرح زیر است:

تناسخ‌یون معتقدند، برای انتقالات روح، آغاز و انجام، بدایت و نهایتی، مبدأ و مقصدی، هدف و مطلوبی مطلقاً قائل نیستند. حال اینکه هر موجودی، باید اول و آخر، مبدأ و معاد و هدف معینی داشته باشد. ثانیاً، از نظر تناسخ‌یون، موضوع معاد، جزا و سزای قیامت، مفهومی ندارد و گویند هر پاداش و مکافات و عکس‌العملی را در این دنیا به وسیله همان انتقالات خواهند یافت. حال اینکه تمام ادیان اهل کتاب، به معاد و حساب واپسین معتقدند، اگر معاد ابدی نباشد، بقای روحی در کار نیست، و اگر بقای روح نباشد، به قول دهریون «اذا ماتت فانت» باید صدق کند که صحیح نیست. از سوی دیگر، اگر بقای روحی در کار نباشد، موردی پیدا نخواهد شد تا انتقالات از بدنی به بدن دیگر صورت گیرد. به هر صورت، دلایل علمی و منطقی بسیاری هست که نشان دهد تناسخ مردود و باطل است.<sup>۵</sup>

۲- کتاب اسفار اربعه، سفر رابع، باب ثامن، جلد ۹ از ص ۲ به بعد

۳- شرح منظومه ملاهادی سبزواری، از ص ۳۱۱ به بعد

۴- کفایت‌الموحدین جلد سوم، مقدمه رابع از ص ۶۲ به بعد

۵- معرفت‌الروح، چاپ چهارم، فصل هشتم، انتشارات جیحون.

عبدالکریم شهرستانی در ملل و نحل می‌گوید: «تناسخیه... به تناسخ ارواح در اجساد قایل هستند و انتقال روح از شخصی به شخصی؛ و آنچه از راحت و نعماء و تعب و بلا رسد، گویند جزای فعلی است که در بدن دیگر اندوخته‌اند از نیکی و بدی، و آدمی به زعم ایشان دائماً به یکی از دو امر مبتلا است، یا به فعل به جزا و آنچه در حال به آن مبتلا است یا مکافات عملی است که پیش‌تر الزام کرده، و یا مکافات عملی است که بر آن انتظار می‌برد؛ و بهشت و دوزخ در بدن مندرج است؛ این عقیده بالکل از عقل و منطق بیرون است ...»

عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: تناسخ عبارت از تعلق روح است به بدن دیگر، بعد از مفارقت آن از بدن اول بدون آنکه زمانی فاصله شود، چه بین روح و جسد تعشق ذاتی است؛ حال اینکه هرگز اتفاق دو امر در طبیعت بدون فاصله ممکن نیست و این خود دلیلی است بر رد تناسخ، و تعشق ذاتی بین روح و جسد بی‌وجه است لذا چنانچه به مثل، ملائکه جسدی به خود نمی‌پذیرند.

صاحب کشف اصطلاحات الفنون بیان می‌دارد که تناسخیان گویند نفوس ناطقه پس از مرگ هنگامی مجرد از ابدان خواهد بود که جمیع کمالات نفسانی را در مرحله فعلیت حائز شده باشد و چیزی از کمالات [...] برای او نمانده باشد. اما نفوسی که از کمالات بالقوه آنها چیزی باقی است، در بدن‌های انسانی می‌گردد، از بدنی به بدن دیگر نقل کند تا به غایت کمال از علوم و اخلاق برسند که آن گاه مجرد و پاک تعلق به بدن‌ها باقی ماند و این انتقال را نسخ نامند؛ این سخن بدین معنا است که خداوند جل جلاله برای کسی که فعالیت و همت بیشتری برای نیکی کردن و نیک بودن داشته است، هیچ امتیازی قائل نخواهد شد، زیرا هر کس سرانجام به غایت کمال از علوم و اخلاق خواهد رسید که خود نشانه بطلان تناسخ است.

در خاتمه، با بیان زیبای شیخ محمود شبستری، مطلب را به پایان می‌رسانیم:

تناسخ زان جهت شد کفر و باطل که آن از تنگ چشمی گشت حاصل



## مقدمه مترجم

در این دوران، انسان‌ها، بخصوص در جوامع غربی، در همهٔ زمینه‌ها به نتیجهٔ کشفیات و تجربیات علمی، کلینیکی و آزمایشگاهی دانشمندان چشم دوخته و دل‌بسته‌اند و چون به صداقت و بی‌طرفی کاوش‌های علمی اعتماد و اطمینان دارند، یافته‌های آنان را غالباً با اشتیاق می‌پذیرند. شاید به همین جهت است که دانشمندان نیز رسالت جدیدی برای خود قائل شده و قلمرو پژوهش‌های خود را به بُعد متافیزیکی بشر نیز تعمیم داده‌اند.

در بیست سال اخیر صدها کتاب مستند توسط دانشمندان علوم پزشکی با استفاده از تجربیات نزدیک به مرگ بیماران و یا توسط روان‌پزشکان که از طریق خواب مصنوعی به کاوش پرداخته‌اند منتشر شده که وجود و بقای روح و موضوع زندگی‌های متوالی را به خوبی آشکار می‌سازد. به عنوان مثال کتاب «زندگی پس از زندگی» به قلم دکتر ریموند مودی در زمره پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفت. در این کتاب نشان داده شده که روح بعضی از بیماران که تحت عمل جراحی قرار گرفته بوده‌اند موقتاً از جسم آنها خارج شده به نحوی که خودشان شاهد کار پزشکان بوده و حتی در آن لحظات به منزل و نزدیکان خود سر زده و از حال آنها با خبر شده بودند و پس از بازگشت به جسم و بهبود، عین وقایع را تعریف کرده‌اند. این آزمایشات در غرب امریکا هم توسط پزشکان مختلف مثل دکتر ملوین مورس، متخصص اطفال و برندهٔ جایزهٔ «خدمات تحقیقاتی ملی» امریکا نیز تکرار شد. بالاخره در سال ۱۹۸۱ جورج آندرسن کتاب معروف و پرفروش خود را تحت عنوان «ما نمی‌میرم» منتشر کرد که در آن بر اساس پدیده‌های علمی و تجربی نشان داده بود که مرگ جسم پایان موجودیت انسان نیست.

در سال ۱۹۸۴ کتابی تحت عنوان «زندگی‌های متوالی: افقی جدید در علم، مذهب و جامعه» به قلم سیلویا کرانستون منتشر شد و مورد توجه همه

طبقات قرار گرفت. این انتشارات نه تنها ترس و واهمه از مرگ را در افراد کاهش داد بلکه بیداری جدیدی در مورد هدف از خلقت و وظیفه انسان در این دنیا را موجب گردید.

کتاب حاضر نیز در زمره همان آثار است. نویسنده آن، دکتر مایکل نیوتن، در مؤسسات مختلف آموزش عالی امریکا در رشته‌های بهداشت فکر و روان تدریس کرده و سال‌هاست به کار هیپنوتراپی نیز اشتغال دارد. وی از طریق ضبط و ثبت گفتار افرادی که به خواب مصنوعی فرو برده شده‌اند به حقایقی در مورد تکامل روحی انسان و مکانی که روح‌ها در فاصله بین زندگی‌های متوالی خود به آنجا می‌روند (برزخ)، دست یافته است.

مطالب کتاب نه تنها از لحاظ محتوا بلکه به جهت روش گردآوری اطلاعات درباره عوالم پس از مرگ بسیار جالب، آموزنده و در عین حال جذاب و پرکشش است. از همه مهم‌تر، این اولین کتابی است که با دسترسی به حافظه پنهانی و ضمیر ابرآگاه افراد متعددی، در مورد وضعیت روح پس از مرگ جسم و جزئیات برزخ نگاشته شده است. به روشنی دیده می‌شود که افراد مختلف، هر یک به تناسب پیشرفت روحی خود، به این حقیقت رسیده‌اند که هدف از خلقت چیز دیگری سواى دنیای مادی است، انسان بالاخره باید به کمال انسانیت خود دست یابد، چه در این دنیا و چه در آن دنیا، و برای این کار هم فرصتی طولانی‌تر از یک زندگی در پیش دارد. به قول مولانا «گر عمر بشد، عمر دگر داد خدا».

مطالعه این کتاب برای ما ایرانیان که وارث فرهنگ غنی معنوی هستیم از جهت دیگری نیز قابل توجه است. وجود روح که از دم پروردگار است و وجه تمایز ما انسان‌ها با سایر موجودات کره زمین می‌باشد و موجودیتش با پایان عمر از بین نمی‌رود، مطلب و مفهوم تازه‌ای نیست. در آیه ۸۰ از سوره اسراء، خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «تو را از حقیقت روح می‌پرسند جواب ده که روح به فرمان خداست و آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است».

مترجم که در حد امکانش، عمری را به مطالعه متون دینی و معنوی از منابع فارسی و خارجی سپری کرده است، برای تکمیل مطالب کتاب و روشن شدن جنبه‌های مختلف به ذکر پانویسی‌هایی مبادرت ورزیده تا خواننده گرامی از یک طرف به واقعیت‌های بیشتر و دقیق‌تری در زمینه‌های مربوطه پی برده و از

## سفر روح ❖ ۱۵

طرف دیگر به میراث عظیم فرهنگ معنوی غنی که از کشور خودمان برخاسته آگاهی یابد و مباحثات کند. با اینکه اکثر مکاتب فلسفی مورد قبول مترجم است ولی عمده پانویس‌های متن، از فلسفه و کتب استاد الهی برگرفته شده زیرا مفاهیم آنها جامع و مانع و نزدیک‌تر به متن است.

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد



## مقدمه

آیا از مرگ وحشت دارید؟ آیا نگران هستید که پس از مرگ برایتان چه پیش می‌آید؟ آیا ممکن است شما روحی داشته باشید که از جای دیگری آمده و پس از حیات جسمانی به همان جا باز گردد؟ یا این تنها یک خوش خیالی و فکر واهی ناشی از ترس مرگ است؟

شگفت‌انگیز است که در میان مخلوقات روی زمین تنها آدمیان هستند که باید دائماً ترس از مرگ را در وجود خود سرکوب کنند تا بتوانند به طور عادی به زندگی بپردازند. با این حال، غریزه حیاتی ما هرگز نمی‌گذارد این دلواپسی را از یاد ببریم. هر قدر سن ما بالاتر می‌رود، شبخ مرگ واضح‌تر خود را به ما می‌نمایاند. حتی اشخاص مذهبی هم می‌ترسند که مبدا مرگ پایان موجودیت‌شان باشد. بزرگ‌ترین وا همه از مرگ، ناشی از اندیشیدن به پوچی آن است، یعنی این که مرگ پایان تمامی پیوستگی‌ها و دلبستگی‌های ما به خانواده و دوستانمان باشد و این که مرگ سبب شود تمام اهداف و آمال و آرزوهای مادی و زمینی ما بی‌حاصل و بیهوده بنظر آید.

اگر مرگ پایان همه چیز ما باشد، به راستی زندگی بی‌معنا و بیهوده خواهد بود. اما نیرویی درونی به انسان‌ها این توان را می‌دهد، که به جهان پس از مرگ، ارتباط و وابستگی به یک نیروی برتر و هم‌چنین به جاودانگی روح اعتقاد پیدا کنند. اگر ما واقعاً دارای روح هستیم، پس این روح بعد از مرگ جسم به کجا می‌رود؟ آیا واقعاً در فراسوی جهان خاکی، بهشتی که جایگاه ارواح هوشمند است وجود دارد؟ این بهشت چگونه جایی است؟ وقتی ما به آنجا می‌رسیم چه می‌کنیم؟ آیا موجود برتری حکمران این بهشت است؟ قدمت این پرسش‌ها به وجود خود بشر می‌رسد و همچنان برای اکثریت ما به صورت معمای حل نشده باقیمانده است.

برای اغلب مردم، پاسخ صحیح به اسرار زندگی پس از مرگ در پشت پرده شناختن روح پنهان می‌باشد. این بدان جهت است که ما ذاتاً دچار فراموشی در مورد هویت روح خویشیم، اما اگر پرده را کنار بزنیم و به آگاهی برسیم رابطه بین مغز و روح برایمان آشکار می‌شود.

در چند سال اخیر، نقل قول‌هایی از اشخاصی که موقتاً مرده و دوباره به زندگی بازگشته‌اند شنیده شده. این اشخاص از یک دهلیز طولانی، نورهای درخشان و حتی برخورد کوتاه با ارواح مهربان صحبت کرده‌اند. اما هیچ یک از این موارد که در کتاب‌های مربوط به تناسخ و یا زندگی‌های متوالی<sup>۶</sup> درج شده است، هرگز حاصلی بیش از یک اشاره کوتاه درباره دانستنی‌های زندگی پس از مرگ نداشته است.

این کتاب، گزارش صادقانه‌ای است درباره دنیای ارواح، در طی آن مجموعه‌ای از سرگذشت‌های واقعی مطرح می‌شود که با ذکر جزئیات نشان می‌دهند پس از پایان زندگی خاکی بر ما چه می‌گذرد. شما به فراسوی آن دهلیز راهنمایی شده و به درون دنیای ارواح وارد می‌شوید، تا دریابید که پس از مرگ بر آنها چه می‌گذرد و چه مراحل را طی می‌کنند تا در نهایت دوباره برای زندگی دیگری به کره خاکی بازگردند.

من طبیعتاً آدم شکاکی هستم، هر چند که از مطالب این کتاب چنین بر نمی‌آید. حرفه من «خواب‌درمانی» Hypnotherapy و کار اصلی من اصلاح ناهنجاری‌های رفتاری برای درمان اختلالات روانی است. قسمت اعظم فعالیت من، کمک به بیماران برای مرتبط کردن افکار و عواطفشان می‌باشد تا از این راه به هویت تازه‌ای دست یافته و رفتار سالم و بهنجارتری داشته باشند. با همکاری خود بیماران سعی می‌کنیم به معنا، نقش و نتیجه هر یک از باورهای آنها پی ببریم، زیرا من معتقدم که هیچ یک از مشکلات روانی، تخیلی نیست. در اوایل کارم، به سبب پابندی به روش‌های متداول روان‌درمانی از جستجو و تحقیق درباره زندگی پیشین بیماران خودداری می‌کردم. در آن دوران هیپنوتیزم و روش بازگشت به سنین گذشته را برای شناخت ریشه خاطرات رنج‌آور و ضربه‌های روانی

دوران کودکی به کار می‌گرفتم، لیکن احساس می‌کردم هر کوششی برای رسیدن به زندگی قبلی، غیر متداول و خارج از اصول عادی درمان کلینیکی است. علاقه من به موضوع زندگی‌های متوالی و امور ماورالطبیعه<sup>۷</sup> تنها یک کنجکاوی روشنفکرانه بود، تا اینکه به کار با یک بیمار جوان در زمینه کنترل درد مشغول شدم.

بیمار از یک درد مزمن در سمت راست بدن که تمامی عمر او را آزار می‌داد شکایت داشت. یکی از راه‌های کنترل درد توسط خواب‌درمانی این است که بیمار را به گونه‌ای هدایت کنیم تا سبب شدت و افزایش درد خود بشود و به این وسیله نحوه کاهش درد خود را نیز بیاموزد و به این ترتیب توانایی کنترل درد را به دست آورد. در یکی از جلسات درمان که به کار افزایش درد مشغول بودیم بیمار برای اینکه بتواند زجر و درد خود را بازسازی کرده و به شدت احساس درد کمک کند، در ذهن خود مجسم کرد که با ضربات کارد مورد حمله قرار گرفته است. در جستجوی ریشه این تصور ذهنی، من بالاخره به زندگی قبلی او رسیدم و دریافتم که در جنگ جهانی اول سربازی بوده که در فرانسه به ضرب سرنیزه کشته شده است. با این ترتیب موفق شدیم که درد را به کلی ریشه‌کن کنیم.

بنا به توصیه و ترغیب خود مراجعین، شروع به پس راندن برخی از آنان به دوران قبل از تولد اخیر و یا آخرین آمدنشان به جهان خاکی کردم. در ابتدا نگران بودم که آمیختن نیازهای کنونی، باورها و واژه‌های بیمار ممکن است او را به تخیلات تازه‌ای که ناشی از بازیابی این خاطرات است دچار کند. اما دیری نپایید که دریافتم خاطرات عمیق ما مجموعه‌ای از تجربیات گذشته را تشکیل می‌دهند که واقعی‌تر و پیوسته‌تر از آنند که بتوان آنها را نادیده گرفت. من پی بردم که از نظر درمانی رابطه بین وقایع زندگی‌های قبلی با آن چه که اکنون هستیم تا چه اندازه مهم است.

سپس من به کشفی با ابعاد گسترده دست یافتم. متوجه شدم که می‌شود از طریق چشم ذهنی کسانی که هیپنوتیزم شده‌اند، دنیای ارواح را مشاهده کرد و از چگونگی «محل گذران بین زندگی‌های زمینی»<sup>۷</sup> آنها باخبر شد.

<sup>۷</sup>نویسنده محل گذران بین زندگی‌های زمینی را به عنوان قسمتی از عالم ارواح (Spirit world) تلقی کرده است. برای روشنی بیشتر مطلب، از این پس این قسمت از عالم ارواح، «برزخ» نامیده می‌شود. (مترجم)

موردی که سبب شد دروازه‌های دنیای ارواح به روی من گشوده شود، زن میانه سالی بود که خیلی مستعد هیپنوتیزم بنظر می‌رسید. او در حال عقب رفتن زمانی در زندگی خود بود. معمولاً سوژه‌ها (مراجعین) وقتی تعریف زندگی اخیر خود را به پایان می‌رسانند وارد مرحله ظریف و حساسی می‌شوند. این سوژه خاص، وقتی به این مرحله وارد شد درباره خود شروع به صحبت کرد، ناگهان تقریباً خود به خود و بدون کمک من به بالاترین درجه بیداری و آگاهی رسید. بدون توجه به این که فرمان من سبب شروع این وضعیت شده باشد. پیشنهاد کردم که او به ریشه این تنهایی و فقدان یاران و مصاحبانش برگردد. در این لحظه من به طور غیر عمد یکی از کلمات محرکه برای احضار روح را به کار بردم و از او پرسیدم آیا از میان دوستانش گروه خاصی هستند که او بیشتر دلش برایشان تنگ شده باشد. ناگهان بیمار شروع به گریه کرد. وقتی که از او سبب گریه‌اش را پرسیدم با هیجان گفت: «دلم برای دوستانی که در گروه من بودند تنگ شده و به همین خاطر روی زمین احساس تنهایی می‌کنم». من، حیرت‌زده، پرس و جو را ادامه دادم که دریابم این گروه دوستان او واقعاً کجا هستند. وی در پاسخ به سادگی گفت: «اینجا، در مسکن همیشگی من، همین الان دارم به همه آنها نگاه می‌کنم».

پس از پایان کار این بیمار و مراجعه مجدد به نوارهایی که از حرف‌های او تهیه شده بود، دریافتم که دست یافتن به جهان ارواح مستلزم ادامه برگرداندن آنها به قبل از آخرین زندگی‌شان می‌باشد. کتاب‌های بسیاری درباره زندگی‌های متوالی نوشته شده است، اما در هیچ یک از آنها نتوانستم درباره زندگی (غیرمادی) بصورت روح و یا طریقه دستیابی به خاطرات زندگی اشخاص در حالت روح مطالبی پیدا کنم. لذا تصمیم گرفتم تحقیق در این زمینه را شخصاً به عهده بگیرم. به تدریج با ممارست و تمرین توانستم مهارت بیشتری در امر ورود به دنیای ارواح از طریق بیماران خود پیدا کنم. همچنین دریافتم که بررسی دنیای ارواح برای مردم به مراتب مهم‌تر و معنی‌دارتر از دستیابی به وقایع زندگی‌های قبلی آنان در جهان خاکی است.

چطور ممکن است که از طریق خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) به روح دستیابی پیدا کنیم؟ در نظر بگیرید که ذهن آدمی دارای سه کره متحدالمرکز است، هر کدام از کره‌ها از قبلی کوچک‌تر و در داخل آن قرار دارد و هر یک معرف لایه و درجه‌ای از خودآگاهی ذهنی می‌باشد. اولین لایه خارجی معرف ذهن

«خودآگاه»<sup>۸</sup> است که منشاء استدلالات انتقادی و تحلیلی ماست. لایه دوم، معرف ذهن «نیمه آگاه»<sup>۹</sup> است. همان ناحیه‌ای که قبل از بقیه قسمت‌ها به خواب مصنوعی فرو می‌رود تا به بایگانی خاطراتی که در این زندگی و زندگی‌های قبلی‌مان پیش آمده است دسترسی پیدا شود. لایه سوم، داخلی‌ترین آنها، همان است که ما اکنون آن را ذهن «ابراگاه»<sup>۱۰</sup> می‌نامیم. این لایه بالاترین مرکز «خودیت» را بر ملا می‌سازد، یعنی مربوط به هنگامی است که ما حالت مظهر یک نیروی برتر را داریم. ذهن ابرآگاه هویت واقعی ما را در خود نگه می‌دارد و با ذهن نیمه آگاه که حاوی خاطرات قالب‌های مادی زندگی‌های قبلی ماست آمیخته شده است. ابرآگاه ممکن است تنها یک لایه ذهنی نبوده و بلکه خود روح باشد. قسمت ابرآگاه معرف عالی‌ترین تظاهرات خرد و ادراکات ماست. تمام اطلاعات من درباره زندگی پس از مرگ از این منبع انرژی هوشمند بر می‌آید. کاربرد خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) در پرده‌برداری از حقیقت تا چه اندازه معتبر است؟ اشخاصی که به خواب مصنوعی فرو برده می‌شوند دچار رویا و یا اوهام و تخیلات نیستند، زیرا که رویاها نظم و توالی زمانی ندارند و کسی که به حالت خواب مصنوعی هدایت می‌شود دچار توهم نمی‌باشد. وقتی که مراجعین به خواب مصنوعی فرو برده می‌شوند مغز آنها به آرامی از مرحله بیداری «بتا» Beta می‌گذارد و نوسانات آن از مرحله میانی پایین‌تر رفته و به سطوح مختلف مرحله «تتا» Theta می‌رسد. مرحله تتا، خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) است نه خواب طبیعی. وقتی که ما می‌خوابیم به مرحله پایانی «دلتا» Delta می‌رسیم. جایی که پیام‌های رسیده به درون حوزه ناخودآگاه وارد می‌شوند و بصورت رویاهای ما در می‌آیند. در مرحله «تتا»، ذهن ابرآگاه، دچار بی‌هوشی و ناخودآگاهی نیست. بنابراین ما توانایی دریافت و ارسال پیام‌های مغزی را داریم و تمام مدارهای حافظه و خاطرات نیز باز و مشغول به کار هستند.

در حالت هیپنوتیزم، اشخاص در مورد تصاویری که می‌بینند و گفتگوهایی که می‌شنوند و منشاء آنها ذهن ناخودآگاه است، به صورت اموری واقعی حرف می‌زنند. سوژها در پاسخ به پرسش‌ها، نمی‌توانند دروغ بگویند، تنها ممکن است آنچه را که در ذهن ناخودآگاه خود می‌بینند به طور نادرست تعبیر کنند، همان‌گونه

که ما نیز در حالت آگاهی ممکن است دچار سوء تفاهم و سوء تعبیر بشویم. در خواب مصنوعی اشخاص دچار این مشکل هستند که نمی‌توانند آنچه را که با باورهای آنها مغایر است بپذیرند.

برخی از منقدان هیپنوتیزم معتقدند فردی که به خواب فرو برده می‌شود، خاطرات جعلی و پاسخ‌های ساختگی از خود بروز می‌دهد تا بدین طریق چارچوب‌های نظری القاء شده توسط خواب‌کننده را به نحوی اثبات کند. من این نوع تعمیم را یک برداشت نادرست می‌دانم. زیرا در تحقیقاتم با هر مورد، به موضوع تازه‌ای برخورد می‌کنم. گویی برای اولین بار است که این اطلاعات را می‌شنوم. اگر سوژه به نحوی بر جریان هیپنوتیزم خود فائق آید و به خیال‌پردازی آگاهانه درباره وقایع بعد از مرگ بپردازد، پاسخ‌هایش به زودی تناقض خود را با خواب‌های قبلیش آشکار خواهد کرد. من از ابتدای کار خود، به اهمیت پرس‌وجوهای مکرر و دقیق پی بردم و هرگز به موردی برخورد نکردم که نشان دهد خواب‌شونده برای خشنودی من به جعل خاطرات روحی خود پرداخته باشد. برعکس اگر من گفته‌های خواب‌شوندگانی را سوء تعبیر بکنم آنها هیچ‌گاه در اصلاح من درنگ نمی‌کنند. به تدریج حجم گفته‌های «سوژه»ها وسعت یافت و به شیوه «آزمایش و اشتباه»، روش صحیح طرح پرسش درباره دنیای ارواح با توالی مناسب را پیدا کردم. سوژه‌هایی که در حالت ابرآگاه هستند انگیزه چندانی ندارند تا داوطلبانه در مورد زندگی بصورت روح و برزخ اطلاعاتی را بیان کنند. خواب‌کننده، (هیپنوتیزور) باید برای هر دری کلید مناسبی داشته باشد. نهایتاً، با آموختن این که بتوانم هر در را در زمان مناسب خود در هر جلسه خواب باز کنم، توانستم روش قابل اعتمادی برای دستیابی به خاطرات مربوط به قسمت‌های مختلف برزخ به دست آورم.

وقتی این توانایی را پیدا کردم، تعداد بیشتری از سوژه‌ها احساس کردند که موضوع دنیای بعد از مرگ را به راحتی پذیرفته‌ام و از آن پس با تمایل بیشتری در این باب با من صحبت می‌کردند. مراجعین من، هم شامل مردان و زنانی هستند که کاملاً پایبند مذهب می‌باشند و هم کسانی را در بر می‌گیرد که اصلاً هیچ‌گونه پایه اعتقادی خاص ندارند. اما اکثریت آنها، در فاصله بین این دو قطب قرار می‌گیرند با کوله‌باری از باورها و اعتقادات گوناگون درباره فلسفه زندگی. نکته

حیرت‌انگیزی که با آن برخورد کردم این بود که در جریان پیشرفت تحقیقات، وقتی خواب‌شوندگان به گذشته برگردانده می‌شوند و به مرحله زندگی بصورت روح می‌رسند کلیه آنها، در پاسخ به پرسش‌های مربوط به برزخ یا زبانی عامیانه، کلمات و توصیف‌های تصویری مشابهی را به کار می‌برند.

اما تشابه بین تجربیات سوژه‌ها، مرا از ادامه تحقیق در تأیید صحت آزمایش‌ها و گفته‌های آنان، از راه مقایسه با گفته‌های دیگران، و همچنین تطبیق آنها با فعالیت‌های عملی افراد منصرف نکرد. در میان گزارش‌های سوژه‌ها تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شد، لیکن علت اصلی آن بیشتر مربوط به اختلاف سطح تکامل روحی در بین آنان بود نه تفاوت اساسی در نحوه مشاهدات مربوط به برزخ.

در ابتدا، تحقیق بسیار دشوار بود و کند پیش می‌رفت، اما به تدریج که قسمت اصلی خاطرات سوژه‌ها تدوین می‌شد، به یک مدل عملی از جهان جاویدان که روح‌ها (پس از مرگ جسمی) در آن به سر می‌برند دست یافتیم. دریافتیم، افکار مربوط به برزخ که توسط روح‌هایی که در قالب جسمی روی دنیای خاکی زندگی می‌کنند بیان می‌شود، شامل حقایقی مشابه است و در همه گزارشات عمومیت دارد. وجه تشابه و درک مشترک مطالب، توسط افراد مختلف مرا قانع کرد که اظهارات آنها صحیح و در خور باور کردن است. من ذاتاً فردی مذهبی نیستم اما به نحوی دریافتیم جایی که پس از مرگ جسمی، همه به آنجا خواهیم رفت مکانی است که بر آن نظم خاصی حاکم می‌باشد و هدفی دارد. همچنین بر من آشکار شد اصولاً مقوله زندگی و دنیای پس از مرگ تحت نظم، طرح و هدفی شگفت‌انگیز است.

وقتی که اندیشیدم چگونه می‌توانم یافته‌های خود را به بهترین وجهی ارائه دهم، به این نتیجه رسیدم که «روش موردشناسی»<sup>۱۱</sup> بهترین توضیح و تشریح را فراهم می‌کند تا خواننده بتواند نقل خاطرات بعد از زندگی خواب‌شوندگان را شخصاً ارزیابی کند. هر یک از گزارش‌هایی که من انتخاب کردم، شامل گفتگوی مستقیم و دو طرفه بین من و خواب‌شونده است. اظهاراتی که در هر گزارش آمده، عیناً از نوار ضبط شده و پس از آن در جلسه درمانی پیاده و نقل شده

است. هدف این کتاب شرح زندگی‌های گذشته سوژه‌های من نیست، بلکه ثبت و ضبط و مستند کردن تجربیات و خاطرات سوژه‌ها در مورد برزخ است.

برای خوانندگانی که در قبول و تصور روح به عنوان یک عنصر غیر مادی دچار اشکال هستند، گزارش‌هایی که در فصول نخستین کتاب آورده شده به طور اخص مفید است. این خاطرات نقل شده توضیح می‌دهد که روح چگونه ظاهر می‌شود و به چه طریق عمل می‌کند. هر گزارش به دلیل محدودیت جا و هم‌چنین برای اینکه خواننده نظم و ترتیب منطقی فعالیت روح را درک کند، تا حدودی خلاصه شده است. فصول کتاب بر اساس رفت و آمد روح به داخل و خارج برزخ و ارتباط آن با سایر اطلاعات مربوط به روح تنظیم شده است.

تشریح سفر روح به برزخ، پس از سرگ جسمی تا شروع زندگی بعدی در جهان خاکی، دست‌آورد خاطرات خواب‌شوندگانی است که تهیه و انجام آنها ده سال طول کشیده است. در ابتدا وقتی با اشخاصی برخورد می‌کردم که قسمتی از زندگی‌شان که مربوط به فواصل بسیار دورتر بود را بهتر از خاطرات زندگی نزدیک‌تر در دنیای ارواح به یاد می‌آوردند موجب شگفتی من می‌شد. با این حال، به دلائلی ناشناخته، هیچ یک از سوژه‌ها قادر نبودند که تمام فعالیت‌های روح را به ترتیب زمان وقوع، آن طور که من در کتاب آورده‌ام، به یاد آورند. سوژه‌ها پاره‌ای از جنبه‌های زندگی بصورت روح را به طور روشن و زنده به یاد می‌آوردند، حال آن که برخی دیگر از خاطراتشان نامفهوم و کدر بیان می‌شد. در نتیجه دریافتم حتی با این بیست و نه گزارش هم نمی‌توانم طیف کامل اطلاعات درباره دنیای ارواح را جمع‌آوری کرده و بنظر خوانندگان برسانم. بنابراین علاوه بر بیست و نه گزارش، جزییاتی از موارد دیگر نیز در متن کتاب آمده است.

خواننده ممکن است طرز سوال کردن مرا در مکالمه با بعضی از خواب‌شوندگان متوقعانه تلقی کند. این امر بدان جهت است که در خواب مصنوعی، لازم است سوژه را در مسیر صحیح نگه داشت و از حاشیه‌روی او جلوگیری کرد. به هنگام کار کردن در دنیای ارواح انتظاراتی که از خواب‌شونده می‌رود به مراتب بالاتر از وقتی است که او در خصوص زندگی‌های قبلی خود صحبت می‌کند. در حالت هیپنوتیزم یک سوژه متوسط متمایل است به اینکه روح و ذهن خود را آزاد بگذارد تا بتواند صحنه‌هایی را که پدیدار می‌شوند تماشا کند. سوژه‌ها اغلب از من می‌خواهند که صحبت کردن را متوقف کنم تا آنها از گزارش

آنچه می‌بینند فارغ باشند و بتوانند با راحتی از مشاهده گذشته خود در هنگامی که بصورت روح بوده‌اند لذت ببرند و من سعی می‌کنم که ملایم بوده و بیش از حد سخت‌گیر نباشم. اما در عین حال وعده‌های درمانی من معمولاً یک جلسه طولانی به مدت سه ساعت است و باید مطالب بسیاری را در این مدت مطرح کنم. افراد ممکن است از راه دور آمده باشند و برایشان امکان نداشته باشد که دوباره مراجعه کنند.

در پایان یک جلسه درمانی، تماشای حالت شگفتی بر چهره خواب‌شونده برای من بسیار ارضاء‌کننده است. برای آن گروه از ما که توفیق یافته‌اند واقعاً موضوع نمیرایی خود را ببینند بعد جدیدی از خودشناسی و احساس قدرت پدیدار می‌شود. پیش از آن که سوژه‌های خود را از خواب مصنوعی بیدار کنم اغلب به جایگزین کردن خاطرات مناسب اقدام می‌کنم. آگاهی بر زندگی به صورت روح در دنیای ارواح و تاریخچه حضور و وجود مادی آنها در جهان خاکی به این افراد احساس با هدف بودن و نیرومندی برای زندگی می‌دهد.

بالاخره بایستی بگویم آنچه در آستانه خواندن آن هستید ممکن است تصورات قبلی شما در مورد مرگ را به شدت تکان دهد. آنچه در اینجا ارائه شده ممکن است مخالف اعتقادات فلسفی و مذهبی شما باشد. ممکن است خوانندگانی هم باشند که مطالب کتاب را تأییدی بر عقاید موجودشان بیابند. برای گروهی دیگر، اطلاعات ارائه شده در این گزارش‌ها، ممکن است حالت افسانه‌های خودساخته‌ای را داشته باشد که شبیه داستان‌های تخیلی علمی است. هر برداشتی که داشته باشید، امیدوارم اگر آنچه که سوژه‌های من درباره زندگی پس از مرگ می‌گویند را دقیق می‌یابید، کاربرد انسانی آن را مورد توجه قرار دهید.

